

عروسی

زمین و انسانها

نوشته الکساندر آ. گورا
اولگا آ. ترنوفسکایا،
و نیکیتا ای. تولستوی

از زمانهای بسیار قدیم زندگی اقوام
اسلا و با کشاورزی پیوند یافته است. به همین
نحیت مراسم اسونوگرانه که توام با کارهای
کشاورزی انجام می‌گیرد در فرهنگ آنها نقش
بسیار مهمی را ایفا می‌کند.
یکی از این مراسم که تا همین زمانهای
اخیر حفظ شده بود جشن خرمن بود که
برحسب گروههای نژادی مختلف به اشکال
گوناگون برپا می‌گشت. این موضوع برای
فرهنگ به چگونگی تکوین اقوام مختلف اسلاو
یک منبع آگاهی مهم بشمار می‌آید.
این جشن که آنرا دووینسکی Dojinka
می‌نامیدند مجموعه مراسمی بود که بر طبق
سلسله مراسم تنظیم شده و در زمانها و فواصل
معینی تقسیم شده بود و از ترکیبات مختلفی
مراسم عبده تشکیل می‌یافت. هر یک از این
مراسم به یک شیئی خاص که زمان دروگی یا
خوشه‌های گندم، گاه شاخه‌های درخت، گل
تغ و نوارهای رنگارنگ آن را می‌ساختند
مربوط می‌شد.

این آشیاء به اشکال بسیار گوناگون
ساخته می‌شد. یکی از آنها که تاچ نام داشت
نوعی کلاه زنانه بود که با خوشه‌های گندم،
گل، شاخه‌های درخت و نوارهای رنگارنگ
آن را می‌بافتند. باقن تاچ با تشریفات معمول
در جشنهای عروسی توام بود. خود جشن خرمن
هم شکل یک جشن عروسی را به خود می‌گرفت.
در این مراسم بهترین و زیباترین دختر دروگر
نقش عروس را که شخصیت اصلی بود به عهده
می‌گرفت. مراسم مخصوصاً مقبومی اسونوگرانه
داشت. یکی از ترانه‌های بیابوردی که به
مناسبت جشن خرمن سروده شده‌چنین بر گردانی
دارو: دای عاشق! هر قدر بیشتر مشغولت را

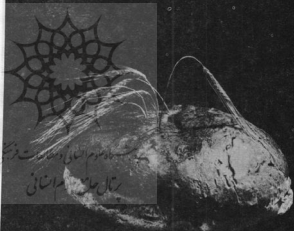


Photo © Edition musée du Centre de France

آکساندر آ. گورا «Alexandre A. Guras» ،
اولگا آ. ترنوفسکایا «Olga A. Ternovskaya»
و نیکیتا ای. تولستوی «Nikita I. Tolstois»
از
اعضای بخش پژوهشی انستیتیو مطالعات مربوط به
نژاد اسلاو و اقوام ساکن شبه جزیره بالکان در
فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی هستند. آنها
هم‌اکنون تحت نظارت نیکیتا تولستوی در مورد جنبه
نژادی و زبانی فرهنگهای کهن اسلاو و از جمله مراسم
قدیم عروسی و دیگر سنن ملی مطالعاتی انجام می-
دهند.

با آهنگ فصول

هنگامی که فصل خرم به پایان می‌رسد، روسایان ساومین ورا دوم در لیستان ناچی را از خوشه‌های گندم می‌ساختند و پسر زیارتین دختر دهکده می‌گذاشتند تا آن تاج را در حالیکه نوازندگان دهه ساکنان ویدرا مشایعت می‌کردند به کلیسا برد پس از آنکه کشیش تاج را برکت می‌داد و به سوی شیرداری راه می‌افتادند و وقتی بدانجا می‌رسیدند شیرداری خروس را در بالای کساج قرار می‌داد و پای خروس را پند می‌بست. خروس شروع به چیدن دان‌ها می‌کرد اگر خروس آواز می‌خواند نشانه این بود که محصول فراوانی بدست می‌آید. سپس سه از آنجا به سوی خانه ارباب حرکت می‌کرد و ارباب در جلوی خانه به دهقانان ساد و با پشنگر هدایا می‌داد. داد در موردی (چکوساوا) که به نشانه پایان زمستان آدمکی (تصویر ست چه) به نام اسلترکا (مرک) می‌ساختند و یکشنبه آخر ایام پرهیز مسیحی آن را درودخانه غرق می‌کردند. در بلغارستان تصویر پالین ست راست) مرک زمستان را به صورت یک رقص قاپوش مجسم می‌ساختند.



Photo © Jean-Luc Charvet. Bibliothèque de Art Décoratifs. Paris



Photo Rémyrol © Musée de l'Histoire. Paris

بیوسی به همان اندازه گندم فراوانتر می‌شود، در این مراسم اساسی مجریان آداب مذهبی خاص با نام شخصیت‌های مراسم خروس یکسان بود. در واقع اصطلاحات خروس در مراسم پرداشت محصول متداول شده بود. مراسم مربوط به یافتن تاج در اوکراین و جنوب بیلوروسی و در اسلوواکی و لیستان بسیار رواج داشت. این مراسم در میان بلغارها بندرت انجام می‌گرفت و در روسیه اصلاً شناخته شده نبود. شیشی تشریفاتی دیگر آخرین یافته گندم یا آدمک کاهی بود که به شکل یک خروسک ساخته می‌شد و وظایف مشابهی را انجام می‌داد. برخلاف تاج، بافه گندم به عنوان یک چیز فرعی برای شخصیت اصلی شمرده نمی‌شد بلکه خود وی قهرمان اصلی بود. از اینرو نامهایی مانند زن سرپان، پد بزرگ، خروس و آزارین قبیل که غالباً اساسی انسان است بدان یا به آدمک کاهی داده می‌شد. در شمال شرقی روسیه بافه گندم به عنوان رئیس خانواده بشمار می‌آمد. مراسم مربوط به ساختن بافه گندم خاصه در میان اقوام جنوب غربی اسلاو بیشتر شیوع پیدا کرده بود. این مراسم همسین در میان برخی از اقوام جنوبی اسلاو مرسوم بود. در مناطق شمالی و غربی روسیه هم شیوع داشت و نیز در بیلوروسی بندرت دیده می‌شد.

ولی مهم‌ترین مراسم که هم‌زمان با پایان فصل خرم در میان قوم اسلاو انجام می‌گرفت مربوط به دسته خوشه‌های درون‌شده بود که اقوام شرقی و جنوبی اسلاو آن را درین می‌نامیدند. طرز ساختن آن بدینگونه بود که خوشه‌ها شکل خاصی می‌دادند. مثلاً آنها را به صورت گیس بافته شده می‌بافتند، خشان می‌کردند و از لیه می‌شکستند و به صورت توارهای تائیده درمی‌آوردند و سپس آنها را به هم می‌بستند. پس از آن پشنگر اعمال جانورگراانه اجرا می‌گردید بدین معنا که زنان در مزایع پشتک می‌زدند، جوانان از زیر خوشه‌های خمیده رد می‌شدند و دختر کم سن و سالی در برابر آنها می‌رقصیدند آنها را با عرق (ودکا) یا با آب آبیاری می‌کردند یک تکه پارچه کتانی، چندتا سنگ، مقداری نان و اندکی نمک در کنار آنها قرار می‌دادند و غیره و غیره....

اقوام جنوبی اسلاو پس از پایان مراسم دریشی را می‌ریزند و یا از ریشه درمی‌آوردند ولی اقوام شرقی اسلاو آنها را به همان صورت در مزه باقی می‌گذاشتند.

در مناطق شمالی روسیه آداب و رسوم بسیار کهنی وجود داشت که منشاء آن به زمانهای پیش از دوره مسیحیت مربوط می‌شد. از آن جمله مراسم فصل خرم، شکاف سنگ و مراسم بود که به مناسبت آوردن شاخسبز درخت به خانه انجام می‌گرفت. و اما در مورد مراسم خروس سنتی قوم اسلاو باید گفت که این مراسم بسیار پیچیده بوده است. اساس تشریفاتی و نمایشهای افسانه‌یی در این مراسم با شعر و ترانه و موسیقی و رقص کاملاً درهم می‌آمیخت.

پدران و مادران، دوستان و بستگان خروس و داماد همگی در این مراسم شرکت می‌جستند و در نهایتش که اجرا می‌شد هر کدام به مدت



Photo © M. Khabaz - M. Khabaz - M. Khabaz

که به ایشان تعلق دارد در آن اطراف دیده‌اند
 پانزدهگنیزه و گوسفند دارند که به آنها بفروشد.
 در نوازند آنگاه هنگامی که پیش‌بینی شد پس
 در خانه زنی زندگی کند دلان به‌خاطر وی
 می‌رفتند. گاهی هم دختر به‌پسر پیشنهاد ازدواج
 می‌داد. تشریفات مربوط به جلب موافقت والدین
 عروس با انجام مراسمی رسمی نامزدی پایان
 می‌یافت. آنگاه زن و شوهر آینده خود را برای
 عروسی آماده می‌کردند و به‌تیمی و تبلیص صورت
 اساسی مدعوین می‌روداختند.
 پس از انجام مراسم نامزدی وضع عروس
 تغییر پیدا می‌کرد. او دیگر نه‌پاک دختر و نه‌پاک
 زن ازدواج کرده بشمار می‌آمد. عروسی
 خوشبوئندی سابق خود را از دست می‌داد و از
 رفت و آمد با دوستان و آشنایان قدیم خودداری
 می‌نمود ولی کسی را هم نداشت که جایگزین
 آنها شوند. اعتقاد براین بود که دختر نامزد شده

کوتاه نقش ایفا می‌کردند. آنها در حین حال
 که بازیگر بودند تماشاگر هم بودند. گاهی
 اتفاق می‌افتاد که نوازندگان حریفی به یک
 تن به‌خوان رئیس تشریفات، زن جادوگری را
 که می‌بایست عروس و داماد را از طلسم و
 جادوی زبان‌آور مصون نگه‌دارد، و چند زنی را
 که می‌بایست شرکت کنندگان در مجلس عروسی
 را در موقع لزوم بگریاند و نیز آدم بده‌گو و
 لوده‌ها را که می‌بایست باشوخیهای خود حضار
 را سرگرم سازد به عروسی دعوت کنند.
 مراسم ازدواج با ورود دلان ازواج
 (نام از زن و مرد) به‌خانه دختر آغاز می‌شد.
 آنها به‌طور مرسوم با پدر و مادر دختر صحبت
 می‌کردند. مثلاً خودشان را ناچر یا شکارچی
 می‌نامند و روانه عروسی می‌گردند یا می‌کنند که
 در جشنجوی گوساله‌گشتک می‌هندند و
 سر می‌بندند که آیا آنها مرغابی ماهه یا غازی را

در این دوره بیشتر در معرض طلسم و جادوی
 زیانبار و گزند نیروهای پلید قرار دارد. و به
 همین جهت بود که او در این مدت به کارهای
 خانه نمی‌پرداخت و حتی غالباً از خانه بیرون
 نمی‌آمد که مبادا دچار طلسم و جادو گردد.
 از نشانه‌های ظاهری این دوره بروز رعایت برخی
 جزئیات در لباس و کلاه و آرایش موی سر
 بود.

در مناطق شمال روسیه آنگاه دوره‌گریه
 زاری نوام با تشریفات اجباری عروسی آغاز
 می‌گشت. برخی از آنها حتی به‌چشم‌ان خود
 بیاض می‌مالیدند تا قطره اشک از آنها بیرون
 بیاید. پس از پایان مراسم غمگین و عروسی در
 کلیسا دیگر گریه و زاری عروس قطع می‌شد.
 در میان همه اقوام اسلاو آداب و مراسم
 ویژه‌ی هر یک و پیش معمول بود که روز پیش از
 عروسی برگرای می‌گشت. مثلاً در روسیه عروس
 در حالیکه دوستانش گرد او را فرا می‌گرفتند یا
 آنان وداع می‌کرد، استنجام عروس گه با
 تشریفات خاصی شوم بود در میان روسها و
 اقوام جنوبی اسلاو رواج داشت. در میان روسها
 و خاصه در میان روسهای سفید، لهستانها و
 بلغاریها رسم براین بود که پیش از انجام مراسم
 عروسی گوسفدی یا بچه شفته عروس را باز کنند.
 اقوام غربی و شرقی اسلاو به‌مناسبت برگزاری
 جشن عروسی درختی را سوزین می‌کردند. در
 جشن غربی ایالت اوکراین و نیز در لهستان
 چکوسلوواکی و سرستان دختران تاج می‌بافتند.
 اقوام جنوبی اسلاو و اسلوواکیا به‌همین مناسبت
 پرچمی می‌ساختند و در روسیه (ویژه در مناطق
 جنوبی آن، سیلوروسی، اوکراین و بلغارستان
 نان عروسی می‌بختند.

در میان قوم اسلاو بختن نان یکی از
 خصوصیات عمده عروسی بشمار می‌رفت. پس از
 آماده شدن خمیر آن را قرین می‌نمودند و
 سپس می‌بختند و به‌همان‌ن در جشن عروسی
 تقدیم می‌کردند. اینکار نوام با تشریفات فراوان
 و خواندن رانهایی که در آن نان با اغب
 و ماه مقایسه می‌شد انجام می‌گرفت. عروس و
 داماد به‌نشانه احترام عمیق در برابر آن خم
 می‌شدند و آنرا می‌بوسیدند و والدینشان در حق
 آنها دعا می‌خواندند و برکت می‌کردند. والدین
 عروس و داماد هنگام بازگشت عروس و داماد از
 عروسی با نان و نمک به‌پیشواز آنها می‌رفتند تا
 بدین‌طریق سنت میهمان‌نوازی قوم اسلاو را به‌آنها
 منتقل سازند. آنها دانه‌های گندم پدروی آنها
 می‌بایستند و بدینسان برای آنها آرزوی سعادت
 و ثروت می‌کردند.
 راهبایی که به کلیسا منتسب می‌گشت و
 نیز خطیبس میهمانان ناخانه داماد خطرات شمرده
 می‌گشت و کسانی که در جشن عروسی شرکت
 می‌کردند می‌کوشیدند تا خود را از گزند جادوی
 اقوام پلیده مصون نگه‌دارند. چه در میان
 اقوام شرقی اسلاو باستانهایی وجود داشت میش
 براینکه چگونه جادوگران یک زمانی لباسی
 شرکت‌کنندگان در پاک جشن عروسی را به
 گرگ می‌بخشند ساخته بودند.

یکی از کارهای عمده در جشن عروسی
 که تمام با تشریفات تمام برگزار می‌گردد کلاه
 و آرایش موی سر عروس بود. ولی این مراسم

دلوپکه یا قاشقی کنده کاری شده که در قرن هفدهم میلادی در میان روستایان روسیه متداول بود آموخته، مطالعه آمیز و غالباً سیلر یا شکوفه. این قاشقی راسولگران سیار در سراسر کشور پخش می‌گردد. در تصویر سمت راست صحنه‌ای از عروسی روستایی را مشاهده می‌کنید. نوع دیوان از عروس داماد تقاضا می‌کند که دود کا را تشرین کند. و میبایدان عد بوسه‌ای را که عروس و داماد باید بیدانه کنند یک‌یک به‌خور صند جمعی بر می‌شوند. کودکانی که بالای بخاری دپواری نشسته اند فکر می‌کنند که مشت مشت فندی خورند چیز بسیار جالبی است. در سمت چپ یک عروس جالبی را می‌بینید که آه و حوا را در مقابل شوخت زندگی نشان می‌دهد.



Photo © Edition Aurore, L'Europe

در اسلوواکی همان شب دختران با ماهی لخت خود سوراخی در زمین حفر می‌کنند و تشرین می‌کنند و با نون در نوبی آن قرار می‌دهند. سینه‌ده می‌دهند تا بیستد در آنجا چه اتفاقی افتاده است. اگر شکر و نون دست نخورده باقی‌مانده باشد آنها پیر دختر باقی می‌مانند، هرگاه شکر و نون از میان رفته باشند آنها باید خود را برای مرگ آماده سازند و اگر در حفره مورچه مشاهده شود آنها با جوان خوبی پیمان زناشویی می‌بندند و هرگاه در آن یک سار وجود داشته باشد با یک مرد بیوه ازدواج می‌کنند.

مردم اسلوواکی مانند ساکنان پولزی و سایر اقوام شرقی اسلاو روز عید سن‌ژان می‌کوشند که خود را از گزند زلفان جادوگر و شیاطین در امان نگه دارند. طبق معتقدات کین در آن روز زنان جادوگر می‌توانستند به‌خانه‌ها بیرون و شیر گاوها را بپوشانند و یا خود بپزند. از اینرو اهالی پولزی روی لبه پنجره‌ها و در آستانه در خانه‌ها پرتوهای گرگه می‌گذاشتند تا ماهی آنها را بسوزاند و آنها نتوانند وارد خانه‌ها شوند.

اسلوواکیا معتقد بودند که علفهای جمع‌آوری شده در شب عید سن‌ژان خواص بسیار زیادی دارند. عقیده آنها بر این بود که آن روز علفها می‌تواند سبب بیماری‌ها شود فریاد می‌کنند و می‌گویند: مرا هم بچین! مرا هم بچین! در میان سرپسها

یک از عهده‌ترین مراسم مارلیستانیا در عیدمیلاد مسیح اجرای نمایش طلسم بسیار خاص و مرسوم و دوره است. انجام این نمایش تا تولد حضرت عیسی و آمدن شاهان مجوس روی زده ارتباط دارد و شخصیتها اصلی آن را هرود و مرگ و شیطان تشکیل می‌دهند. در اینجا تصویری از آواز و رقص شصت‌جمله کلنوبی را در نمایش سنتی «هرود» مشاهده می‌کنید.

گاهی درست می‌کنند و سپس بدان آتش می‌زنند و با اینکه آن را در آب رودخانه غرق می‌سازند.

آتش قابله‌های شب و حتی تا سینه‌دهم می‌سوزد نزدیک به خاموش شدن از روی آن می‌سازند و شاخه‌های تیسوز را محکم به زمین می‌کوبند و به‌بازی و جست‌وجویی می‌پردازند. حکام صبح عید جمع‌آوری می‌کنند و آستانه و کل سرخس را (سرخس گل سفید) که در خورد بدان بویج سعادت می‌گردد و به همدیگر نقل می‌کنند.

شوخیهای شیطان‌آمیز و ویژگی‌ها جوانان روستایی که تاکنون حفظ شده‌اند عبارت از اعمال بسیار عجیب است که طبق سنتهای کین انجام می‌گیرد. یکی از این شوخیها اینستکه وقتی بخاری روشن است جوانان دهانه دودکش آن را مسدود می‌کنند تا دود همه جای اتاق را فرا گیرد و پالینگه دو لنگه دوی را از جا می‌کنند و در باغ سبزیکاری همسایه می‌اندازند و یا سطل آبی را با زنبق از اجاق بیرون می‌کنند و سپس در کوچه‌های روستا آنها را با سروسها به‌دندان خود می‌زنند.

همه اینها مانند بریلین از روی آتش و یا کوبیدن شاخه‌های تیسوز به‌زمین در زمانهای قدیم مقوم تشریفاتی خاص داشته و برای دفع خطر شیاطین و تطهیر و بازسازی انجام می‌گرفته‌اند ولی بعدها به‌سبب اعمال تفریحی آمده‌اند. به‌هنگام برگزاری اینگونه مراسم سروارگانیک همه مردم روستا شب بیدار می‌مانند و در آن شرکت می‌جویند.

در میان مردم لیتوان و ساکنان سواحل بستر سفلی رودخانه بوگ معمول است که دختران شب عید سن‌ژان مساحت جوی عمودی را که روی آنها چند شمع روشن و قاشقی کوچک گل قرار دارد روی آب می‌گذارند و روی آنها آینه خود را می‌خوانند. هرگاه سفحه چوبی دختر در آب فرو رود سال بعد او عروسی می‌کند و در غیر اینصورت دختر باقی می‌ماند. در اوکراین و بیلوروسی دختران تاج گل به‌آب می‌اندازند و از روی حرکت آنها برای خود فال می‌گیرند.

عروسی جوان کلاه زن ازدواج کرده در دریافت می‌داشتند و بوی سر وی را به‌عطر موی سر زن ازدواج کرده می‌آرسانند.

عروس و داماد را گروهی از همسایان معمولاً در خانه داماد تا حمله همسایه می‌گردانند. آنگاه شب زفاف را معمولاً در جایی که گرم نبود از جمله زیر یک سایبان یا نوبی یک انبار و حتی در داخل یک اسپدل می‌کنند.

روز بعد به‌بازی و خنده اختصاص داده شده بود. در آن روز سر بس عروس و داماد می‌گذاشتند و بانیان می‌خبر را مجازات می‌کردند. شرکت کننده‌گان در جشن عروسی با لباس مبدل (مردان در لباس زنان و زنان در لباس مردان) می‌آمدند و یکدیگر را کوبه‌های روستا را طی می‌گردانند. در برخی از مناطق نیز از جمله در منطقه پولزی واقع در بیلوروسی دربارهٔ لطافت اصلی مراسم عروسی روز قبل نمایش تقلیدی مسخرآمیزی اجرا می‌کردند.

آخرین قسمت مراسم ازدواج شامل احتفام عروس و داماد جوان بود که فرای شب زفاف طی تشریفاتی در حمام ده انجام می‌گرفت و نیز شامل آرمونهای بود که تمام با تشریفات خاصی دربارهٔ کندیوبی جوان خانه اجرا می‌گشت و همچنین شامل دید و بازدید به اسراد خانواده و بستگان عروس و داماد بود که طی آن در منزل یکدیگر غذا هم صرف می‌کردند.

مردم باز در منطقه پولزی یک تقویم تازه روز هفت زانو به یک یکی از اعیان باستانی قوم اسلاو موسوم به عید ایوان کپولا است جشن گرفته می‌شود. این عید که با عید سن‌ژان (تقویم مذهبی) متفاوت دارد تمام بر اساس جالبی است که با وجود مبارزهٔ می‌مستانهٔ جامعهٔ روحانیون مسیحی با آن از زمانهای پیش از مسیحیت تا به‌امروز باقی مانده است. روز قبل از عید ایوان کپولا هنگام غروب آفتاب مردم در ساحل رودخانه یا روی تپه‌ها غالباً در مساحت آتش بزرگی می‌فریزند. قبل از روشن کردن آتش پسران و دختران کلاه چوب خشک جمع‌آوری نموده و آنها را به‌صورت نودمادی بزرگی درمی‌آوردند. گاه یک آماج

این عید سن‌زان چیشته علفه ساینده
 می‌شند. بلغارها در فرور سن‌زان، علف
 می‌چینند و کارهای ماه و مزارع را از گردن
 ارواح پلید که می‌کشیدند تا شیر و محصولات
 کشاورزی را بریابند مصون نگه می‌داشتند ولی
 دختران در آن روز درباره نامزد آینده خود
 فال می‌گرفتند. بنا به اعتقاد بلغارها در آن روز
 انبو (زان) یک جامه کرکی زوی دوش خود
 می‌آویخت زیرا فصل برف و سرما آغاز می‌شد.
 روز انقلاب سیفی دو قبیله کروات و
 اسلوان هم آتش می‌افروختند. بنابراین جشن
 ملی میان اقوام اسلاو و اقوام دیگر اروپایی
 پیوند برقرار می‌ساخت. در قرون وسطی در
 فرانسه خود شاه شب عید سن‌زان آتش روشن
 می‌کرد. آتش‌افروزی شیعه سن‌زان در کشور
 های دانمارک، ایتالیا، آگوس و انگلستان هم
 متداول بود ولی در لندن این مراسم درسال
 ۱۵۳۹ ممنوع گردید.

در جاهایی که اکنون باز مراسم استحمام
 انجام می‌گیرد مردم از مفهوم و هدفهای چادو گرانه
 اولیه آن هیچگونه آگاهی ندارند. ولی آنها
 از فرور خورشید، از گرمای آتش، از تابستان،
 از محصولات کشاورزی، از گلپا و علفها
 بهره‌مند می‌شوند و با امید به آینده می‌نگرند.
 درست مانند آجداد خود که در گذشته بسیار
 دوز از آنها بهره‌مند می‌شدند و می‌کشیدند تا
 بر سرروهی طبیعت طایق آیند زیرا اساس
 می‌کردند که خود آنها نیز فرزندان این طبیعت
 و فرزندان جنگلها و آب و آفتاب هستند.
 آ. گوراء، او. ترنوسکایا، ن. توانسوی



Photo Dardale © Musée de l'Homme, Paris



© CAC, Vienne

صنعه سمت چپ، تفاوت لحنی میان این دو حالت تفسیرپذیر ایمان در کشورهای اسلامی وجود دارد؛ از یکسو احساس جان فاصله مشاهده می‌شود که زمین را از آسمان جدا می‌سازد و به موضوع ترسیم شده جنبه مجرد و ماوراءطبیعی می‌بخشد. از سوی دیگر یک هنر اکسپرسیونیستی وجود دارد که سرشار از شور و آثار زندگی است. درست راست نمثال مسیح را که در فاصله میان فرود آمدن و سیزدهم میلازی نقاشی شده است مشاهده می‌کنید. این نمثال که در انوار گوناگون به‌طور مکرر رنگ آمیزی شده در اینجا برای نخستین‌بار در متن اصلی آن نشان داده شده است. کشف این نمثال که فرقا از نظرها نپخته مانده بود واقعاً مهمی محسوب می‌شود. در واقع در روسیه تنها دو یا سه نمثال شبیه این وجود دارد. سرعت آن در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۷ توسط مؤسسه دولتی انجام گرفته است. در سمت چپ تصویر یکی از شخصیت‌های محراب بزرگ کلیسای نوتردام در کراکووی دیده می‌شود. این محراب از چوب رنگارنگ که در فاصله سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۸۸ توسط بیت استونز ساخته شده است.



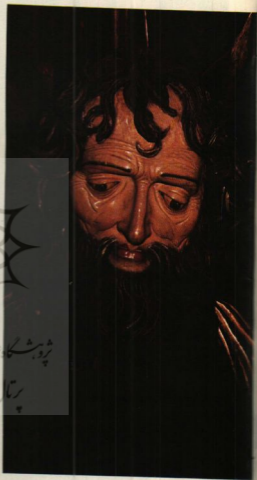
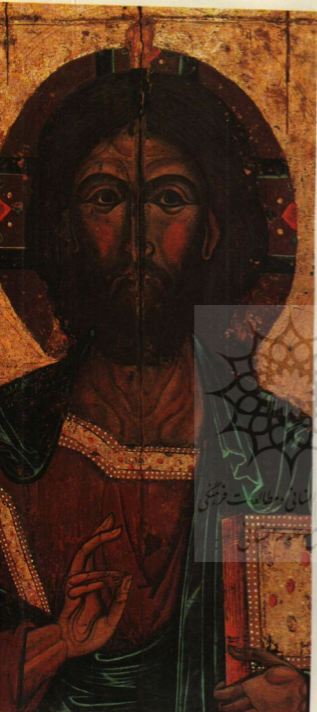
کشفیات شگفت‌انگیز هرمت کنندگان روسی

امروزه در سایه پژوهش‌های مداوم هرمت‌کنندگان می‌توان به کشف شاهکارهای واقعی روسیه کهن نایل آمد. یک نمثال پوشیده از دوده و روغن جلا که در انوار گوناگون چندین‌بار رنگ آمیزی شده، به‌شکل تازه‌ای درآمده و برحسب ذوق زمان مورد دستکاری - غالباً بسیار ناشایسته - قرار گرفته و به‌روز زمان سیاه گشته هنگامی که طبقات رنگ روی هم اضافه شده در آن زودوده شد می‌تواند باز به‌صورت یک شاهکاری درآید. کارهای مربوط به هرمت نمثالها که پایان قرن گذشته آغاز گردیده است. اگر چه در این کار شیوه‌های علمی بکار برده می‌شوند ولی همانگونه که سالویا می‌گوید سر تعبیر کار روسی خاطر نشان می‌سازد حس بینش و قریحه خود تعبیر کار در این زمینه نشان موفقیت شمرده می‌شود. مثلاً در اینجا تصاویر شماره ۱ و ۲ و ۳ که مرحله‌مغزای هرمت نمثال یکی از سوارپون را به ۱۵۰۰ سال نشان می‌دهند. این نمثال که متعلق به قرن شانزدهم میلازی است در فاصله سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۳ توسط ای. گروبووا هرمت

شبه در صفحه ۲۱



Photo S. Zimnykh © Editore d'Art Igarati, Mosco



پروفیسر کاغذی اور انسانی مطالعات فرہنگی
پرتال جلال آباد





شده اکنون در موزه پاروسلاف واقع در شوروست
قرار دارد. در سمت چپ نمونه دیگری از آنژیرو
که توسط تمبرکاران مسخ شده‌اند مشاهده می-
کنید. زیر زشتی این رنگ آمیزی مجدد درباره این
نمایش متعلق به قرن سیزدهم که به‌صیغ فرشته
بزرگ میش اختصاص داده شده و از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸
طی مدت هفت سال توسط خانم بارابووا مرمت گردیده
چه تصویری می‌توان داشت. این نمایش اکنون در موزه
دولتی لنینگراد قرار دارد. نمونه بسیار عالی دیگری
از مرمت نمایشها در صفحه ۱۹ دیده می‌شود و آن
نمایش حضرت عیسی است که توسط م. پارونزین به
طرز استثنایایی مرمت گردیده است.

کشیسی که هنرمند بزرگی بود

دوربینسون زونیکوورد در نزدیکی مسکو بیست آمده است اکنون در موزه
تریاکوف مسکو نگهداری می‌شود در پایین سمت راست تصویر یکی از میناتور-
های قرن شانزدهم میلادی را مشاهده می‌کنید که رونف را در حالیکه سرگرم
ترین دیوارهای کلیسای مسیح در صومعه سن - آندروونیکول است نشان می-
دهد. این هنرمند واپسین سالهای عمر خود را در این صومعه گذراند. موزه
آندرووی رونف در کلیسای متعلق به شورای کشیشان این صومعه قرار دارد.

در میان استانان مکتب نقاشی مسکو در درجه اول باید از آندرووی رونف
(۱۶۷۰-۱۶۴۰) نام برد. نمایشهایی که او نقاشی کرده و خاصه نمایش تثلیث و
حضرت عیسی از شاهکارهای نقاشی جهان بشمار می‌روند. صفای اخلاقی احساس
سبب شاعرانه و کمال تائب رنگی در نهایت شکوفایی خود در آندرووی رونف
وجود دارند. نمایش مسیح (تصویر پایین سمت چپ) از آثار وی بدون زحمت
چندی قابل بیازایی به وسیله یک حالت تمرکز آرام که قادر به تحریک احساسات
عادی انسان است متمایز و مشخص می‌گردد. این نمایش که از کلیسای



صفحه رنگین

برادران بوریس و گلب

این نمایش که از آثار قرن چهاردهم میلادی است اکنون در موزه
تریاکوف مسکو نگهداری می‌شود. دوازدهم مزبور که در تاریخ روسیه
قدیم بسیار شهرت دارند نام دو شاهزاده‌ی هستند که در تین جوانی به
دست برادر بزرگشان شاهزاده اسویاتوپولت به‌طرز فجیسی کشته شدند.
برسخت آنها از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم میلادی در میان مردمان روسیه
بسیار رایج بود. بسیاری از کلیساها به آنان تقصیمی داده شده و
نمایشهای فراوانی از چهره آنان نقاشی شده است. در اطراف تصویر
لا لند و گلب صفحه‌هایی از زندگی و مرگ آنها را مشاهده می‌کنید.